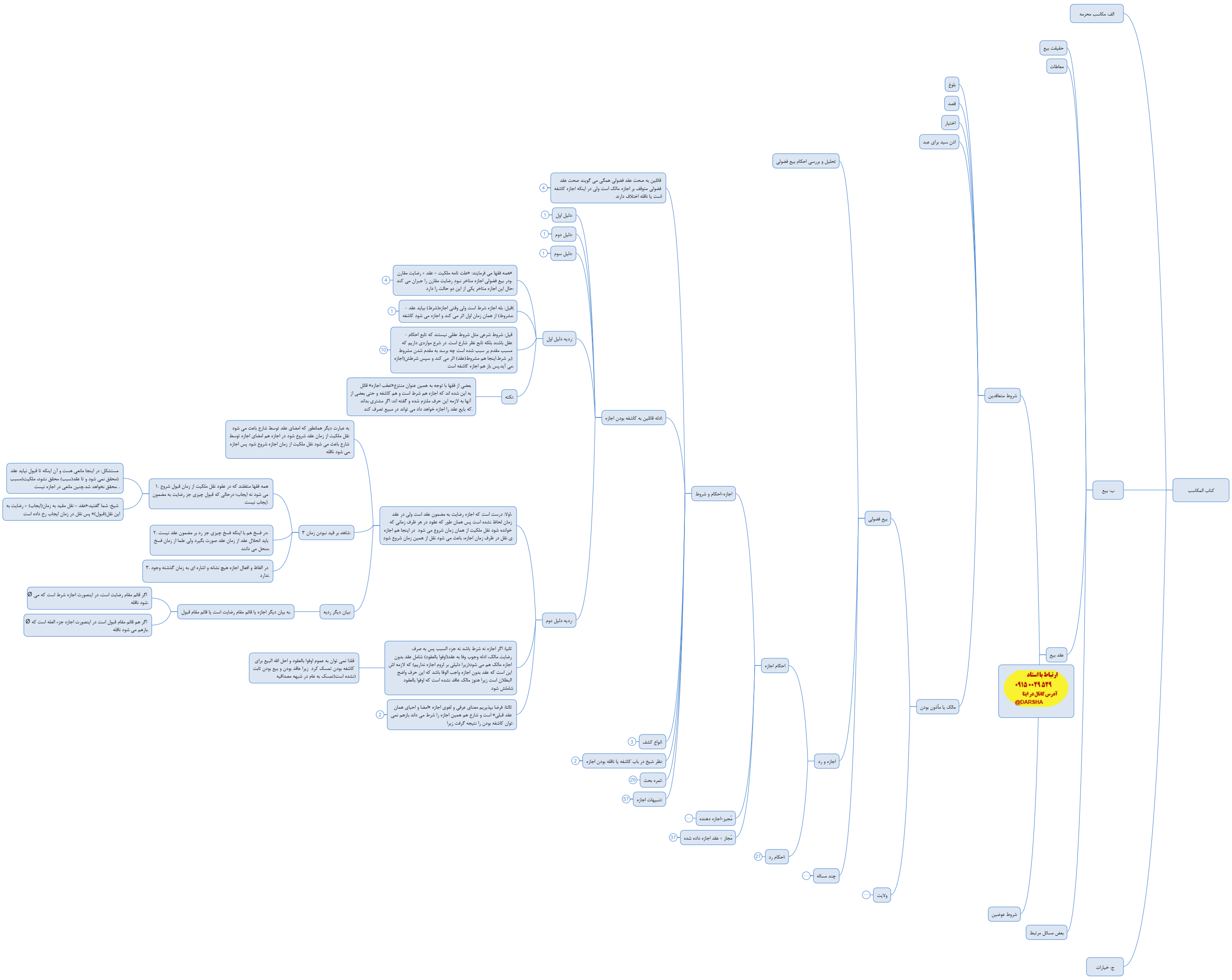

- کتاب المکاسب
  - الف: مکاسب محرمه
  - ب: بیع
    - حقیقت بیع
    - معاطات
    - عقد بیع
      - شروط متعاقدین
        - بلوغ
        - قصد
        - اختیار
        - اذن سید برای عبد
        - مالک یا مأذون بودن
          - بیع فضولی
            - تحلیل و بررسی احکام بیع فضولی
            - اجازه و رد
              - احکام اجازه
                - اجازه=احکام و شروط
                  - قائلین به صحت عقد فضولی همگی می گویند صحت عقد فضولی متوقف بر اجازه مالک است ولی در اینکه اجازه کاشفه است یا ناقله اختلاف دارند: ④
                  - ادله قائلین به کاشفه بودن اجازه:
                    - دلیل اول: ①
                    - دلیل دوم: ①
                    - دلیل سوم: ①
                    - ردیه دلیل اول:
                      - «همه فقها می فرمایند: «علت تامه ملکیت = عقد + رضایت مقارن. ودر بیع فضولی اجازه متاخر نبودِ رضایت مقارن را جبران می کند حال این اجازه متاخر یکی از این دو حالت را دارد: ④
                      - قیل: بله اجازه شرط است ولی وقتی اجازه(شرط) بیاید عقد – (مشروط) از همان زمان اول اثر می کند و اجازه می شود کاشفه. ①
                      - قیل: شروط شرعی مثل شروط عقلی نیستند که تابع احکام عقل باشند بلکه تابع نظر شارع است. در شرع مواردی داریم که مسبب مقدم بر سبب شده است چه برسد به مقدم شدن مشروط بر شرط.اینجا هم مشروط(عقد) اثر می کند و سپس شرطش(اجازه) می آید.پس باز هم اجازه کاشفه است. – ⑩
                      - نکته:
                        - بعضی از فقها با توجه به همین عنوان منتزع«تعقب اجازه» قائل به این شده اند که اجازه هم شرط است و هم کاشفه و حتی بعضی از آنها به لازمه این حرف ملتزم شده و گفته اند: اگر مشتری بداند که بایع عقد را اجازه خواهد داد می تواند در مبیع تصرف کند.
                    - ردیه دلیل دوم:
                      - اولا: درست است که اجازه رضایت به مضمون عقد است ولی در عقد، زمان لحاظ نشده است پس همان طور که عقود در هر ظرف زمانی که خوانده شود نقل ملکیت از همان زمان شروع می شود در اینجا هم اجازه ی نقل در ظرف زمان اجازه، باعث می شود نقل از همین زمان شروع شود.
                        - به عبارت دیگر همانطور که امضای عقد توسط شارع باعث می شود نقل ملکیت از زمان عقد شروع شود در اجازه هم امضای اجازه توسط شارع باعث می شود نقل ملکیت از زمان اجازه شروع شود پس اجازه می شود ناقله.
                        - شاهد بر قید نبودن زمان ۳:
                          - همه فقها متفقند که در عقود نقل ملکیت از زمان قبول شروع می شود نه ایجاب؛ درحالی که قبول چیزی جز رضایت به مضمون ایجاب نیست. ۱.
                            - مستشکل: در اینجا مانعی هست و آن اینکه تا قبول نیاید عقد (محقق نمی شود و تا عقد(سبب) محقق نشود، ملکیت(مسبب محقق نخواهد شد.چنین مانعی در اجازه نیست .
                            - شیخ: شما گفتید:«عقد = نقل مقید به زمان(ایجاب) + رضایت به این نقل(قبول)» پس نقل در زمان ایجاب رخ داده است
                          - در فسخ هم با اینکه فسخ چیزی جز رد بر مضمون عقد نیست ۲. باید انحلال عقد از زمان عقد صورت بگیرد ولی علما از زمان فسخ منحل می دانند.
                          - در الفاظ و افعال اجازه هیچ نشانه و اشاره ای به زمان گذشته وجود ۳. ندارد.
                        - بیان دیگر ردیه:
                          - به بیان دیگر اجازه یا قائم مقام رضایت است یا قائم مقام قبول.
                            - اگر قائم مقام رضایت است، در اینصورت اجازه شرط است که می Ø شود ناقله.
                            - اگر هم قائم مقام قبول است در اینصورت اجازه جزء العله است که Ø بازهم می شود ناقله.
                      - ثانیا: اگر اجازه نه شرط باشد نه جزء السبب پس به صرف رضایت مالک، ادله وجوب وفا به عقد(اوفوا بالعقود) شامل عقد بدون اجازه مالک هم می شود(زیرا دلیلی بر لزوم اجازه نداریم) که لازمه اش این است که عقد بدون اجازه واجب الوفا باشد که این حرف واضح البطلان است زیرا هنوز مالک عاقد نشده است که اوفوا بالعقود شاملش شود
                        - فلذا نمی توان به عموم اوفوا بالعقود و احل الله البیع برای کاشفه بودن تمسک کرد زیرا عاقد بودن و بیع بودن ثابت نشده است(تمسک به عام در شبهه مصداقیه)
                      - ثالثا: فرضا بپذیریم معنای عرفی و لغوی اجازه «امضا و احیای همان عقد قبلی» است و شارع هم همین اجازه را شرط می داند بازهم نمی توان کاشفه بودن را نتیجه گرفت زیرا: ②
                  - انواع کشف: ③
                  - نظر شیخ در باب کاشفه یا ناقله بودن اجازه: ②
                  - ثمره بحث: ㉙
                  - تنبیهات اجازه: (57)
                - مُجیز=اجازه دهنده …
                - مُجاز = عقد اجازه داده شده ㊲
              - احکام رد: ㉗
            - چند مساله …
          - ولایت …
      - شروط عوضین
    - بعض مسائل مرتبط
  - ج: خیارات

ارتباط با استاد
۰۹۱۵۰۰۲۹۵۲۹
آدرس کانال در ایتا
@DARSHA